

## با تمام نیرو برای آزادی دانشجویان دربند بکوشیم!

بهرام رحمانی

[bamdadpress@ownit.nu](mailto:bamdadpress@ownit.nu)

دانشجویان امسال در حالی به استقبال روز خود رفتند که فشار بر روی فعالین دانشجویی به اوج خود رسیده بود. صدها دانشجو از دانشگاه های سراسر کشور از تحصیل محروم مانده اند؛ پنج ماه از ربودن صباح نصری و هدایت غزالی توسط نیروهای امنیتی در شهرهای کردستان می گذرد و این دو دانشجوی دانشگاه های تهران، ماه هاست که بدون تفهیم اتهام، ملاقات، اطلاع از محل نگهداری و حتی گفتگو با خانواده هایشان، دربندند و هیچ نهادی پاسخ گو نیست و وزارت علوم هم تنها به سلب مسئولیت اکتفا کرده است؛ در سال جاری ده ها نشریه دانشجویی تعطیل و یا تشکل های آن ها منحل و فعالین شان تحت پیگرد قرار گرفته است؛ تنها به بهانه برگزاری برنامه هایی به مناسبت روز دانشجو، بیش از ۴۰ دانشجو را به عنوان «اخلالگر» و «اقدام علیه امنیت ملی؟» دستگیر و زندانی کرده اند. یاسر گلی، آسو صالح، مسعود کردپور و ده ها دانشجوی دیگر دانشگاه کردستان به زندان محکوم گردیده اند و برای تعداد زیادی از دانشجویان دانشگاه سنندج، احکام سنگین محرومیت از تحصیل تحمیل کرده اند و یا به دانشگاه های شهرهای دوردست تبعید شده اند...

امسال روز دانشجو، در حالی در دانشکده های ارتباطات و روزنامه نگاری برگزار گردید که بیش از ۱۶ روزنامه نگار در زندانند و روزنامه نگار کرد، عدنان حسن پور، به مرگ محکوم شده و روزنامه نگاران دیگر کرد هیوا بوتیمار، اجلال قوامی، محمد صدیق کبودوند و... به دلایل پوچ و بی اساسی در زندان نگاهداری می شوند.

اخیرا گزارشگران بدون مرز، با انتشار بیانیه ای اعلام کرده بود که ایران از جمله کشورهای سرکوبگر در عرصه اینترنت است و در لیست ۱۳ کشور «دشمنان اینترنت» در جهان قرار دارد. در این کشور در طی سال گذشته بیش از ۱۰ میلیون صفحه اینترنت به بهانه داشتن محتوای «غیرقانونی و مغایر با عفت عمومی» مسدود شده است. مقامات حکومت اسلامی ایران، برای جلوگیری از بارگیری فیلم و موسیقی و اطلاعات مورد نیاز بر روی سایت های کاربران ایرانی را از اینترنت با سرعت بالا محروم کرده اند. با ۱۵ روزنامه نگار و وب نگار زندانی، ایران بزرگ ترین زندان روزنامه نگاران در خاورمیانه است. این نهاد بین المللی، قبلا نیز نوشته بود که سران حکومت اسلامی دشمن درجه یک آزادی بیان هستند.

دانشگاه مرکزی برای اشاعه علم و هنر و سنگر محکمی برای آزادی و برابری و عدالت اجتماعی است؛ به همین دلیل تمام نیروهای خرافی و عقب مانده و در راس همه سران جنایت کار حکومت اسلامی دانشگاه ها را برای قدرت و حاکمیت خود مضر می دانند. اما با وجود این همه وحشی گری نیروهای سرکوبگر حکومت بر علیه جنبش دانشجویی، دانشگاه های ایران، در طول تاریخ مبارزان زیادی را با افکار و آرای برابری طلبانه و سوسیالیستی پرورش داده است. به ویژه در سال های اخیر، بسیاری از فرزندان کارگران و مردم محروم و تحت ستم نیز به دانشگاه ها راه یافته اند که با پوست و گوشت خود ستم و ظلم و استثمار سرمایه داران و حکومت حامی سرمایه را تجربه کرده اند. بیش تر از نیمی از دانشجویان دانشگاه های ایران زن هستند که بر علیه آپارتاید جنسی و برابری واقعی بین زن و مرد مبارزه می کنند. از این رو، آنان آگاهانه برای تغییر نظم موجود با جسارت فوق العاده ای مبارزه می کنند و بهای آن را نیز آگاهانه با تهدید و زندان و شکنجه می پردازند.

از موقعی که پاسدار احمدی نژاد به قدرت رسیده است فشار و توهین و بی حرمتی بر شهروندان در محیط کار و خیابان ها، تهدید و زندان و شکنجه فعالین جنبش کارگری، زنان و دانشجویان، نویسندگان و روزنامه نگاران، به ویژه در دانشگاه ها بیش از پیش تشدید شده است.

حکومتی که چوبه های دار خود را در میادین شهرها برپا کرده است؛ در خیابان ها تحت عنوان «اراذل و اوپاش» به زنان و جوانان یورش می برد؛ فعالین جنبش های اجتماعی دستگیر و زندان و شکنجه می کند و برای آن ها پاپوش درست می کند؛ رهبری کارگری بیمار هم چون محمود صالحی را که به درمان فوری نیاز دارد به حالت اغما رها می کند و یا فقط برای چند ساعتی اجازه می دهد در بیمارستان آن هم در حالی که دست و پایش را به تخت بسته اند، تحت معالجه قرار گیرد؛ ابراهیم نوروزی گوهری، عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد، محسن حکیمی، از اعضای کمیته هماهنگی، علیرضا عسگری و حسین غلامی را بی دلیل دستگیر و زندانی می کند (۲۲ آذر ۱۳۸۶)؛ روناک صفازاده و هانا عیدی، از فعالان زندانی جنبش زنان را دخالت در انفجارهای اخیر سنندج متهم می نماید؛ ابوالفضل عابدینی، روزنامه نگار خوزستانی که اعتصابات کارگران نیشکر هفت تپه را پوشش داده و به همین دلیل دستگیر شده، مهمت به تلاش برای بمب گذاری می کند؛ به کافی نت ها به بهانه وجود مسائل «غیراخلاقی» یورش می برد و ۲۴ کافی نت و کافی شاپ را در سطح شهر تهران یک جا تعطیل می کند؛ و ... کلیت چنین حکومتی ضدانسان و ضدآزادی است و باید هر چه زودتر با مبارزه طبقاتی و قدرت انقلاب اجتماعی روانه گورستان تاریخ شود.

دستگاه امنیتی حکومت اسلامی، بی‌شرمانه در مورد همه دستگیرشدگان مدعی شده است که به دلیل «اقدام علیه امنیت کشور» دستگیر شده‌اند. در حالی که امنیت ایران و جامعه ایران توسط حکومت اسلامی به خطر افتاده است نه توسط فعالین جنبش‌های اجتماعی که برای برقراری امنیت و آرامش و رفاه و آزادی و برابری و عدالت اجتماعی در جامعه مبارزه می‌کنند و با سرکوب و خشونت ارگان‌های سرکوب حکومت اسلامی روبرو می‌شوند.

لازم به تأکید است که حمله نیروهای سرکوبگر حکومت اسلامی به فعالین جنبش دانشجویی، جنبش کارگری، جنبش زنان و مردم محروم و آزادی خواه از سر ترس و وحشتی است که به جان سران حکومت اسلامی افتاده است. آن‌ها از بالا گرفتن اعتراضات و اعتصابات این جنبش‌های اجتماعی احساس خطر می‌کنند. حکومتی که پایه‌هایش محکم باشد و رهبران آن احساس ترس از دست رفتن قدرت خود نکنند هرگز به این شیوه‌های وحشیانه برای سرکوب فعالین جنبش‌های اجتماعی متوسل نمی‌شوند که سران حکومت اسلامی در پیش گرفته‌اند. هر چه قدر سران حکومت اسلامی نیروهای سرکوبگر خود را به جان مردم می‌اندازند به همان نسبت نیز خشم و نفرت مردم از آن‌ها چندین برابری می‌شود. این وضعیت و همه شواهد نشان می‌دهند که سران حکومت اسلامی بقای حاکمیت خود را فقط در سرکوب و شکنجه و اعدام می‌بینند. حکومتی که به چنین نقطه‌ای سقوط کند در واقع با بن بست روبرو شده است نه راه پیش دارد و نه راه پس، بنابراین، محکوم به فروپاشی و اضمحلال است. سران حکومت اسلامی، با سرکوب می‌توانند قدری عمر حکومت خود را بیش‌تر کنند اما دیگر حکومتی نفرت‌انگیز و غیرقابل‌تحملی است که جامعه برای سرنگونی آن هر لحظه و هر روز فکر می‌کند. به قول دانشجویان قهرمان: «دیگر توپ و تانک و بسیجی اثر ندارد!»، «سوسیالیسم یا بربریت!»، «مرگ بر دیکتاتور» و... یعنی این حکومت جانی ستم‌گر و استثمارگر، باید با قدرت مبارزه متحد و مستقل جنبش‌های اجتماعی و در پیشاپیش همه طبقه کارگر متشکل و آگاه که استراتژی سوسیالیستی را در افق و چشم انداز خود قرار داده است، سرنگون گردد.

همان‌طور که در بالا تأکید کردیم حکومت اسلامی، به ویژه در سال جاری سیاست سرکوبگرانه‌ای را با هدف پیگیری از برگزاری روزهای مهم تاریخی، نیروهای سرکوبگر خود را به حال آماده باش درمی‌آورد و حکومت نظامی اعلام نشده برقرار می‌کند و مأموران امنیتی خود را مانند خفاشان شب به شکار فعالین جنبش‌های اجتماعی می‌فرستند تا به زعم خود با راه انداختن رعب و وحشت جلو حرکت‌های اعتراضی را بگیرد. اما غافل از این که چنین سیاستی حتی نیروی خفته را هم بیدار می‌کند و به ضد خود تبدیل می‌گردد. به طوری که با دستگیری بیش از چهل فعال و سازماندهی جنبش دانشجویی، مراسم‌های این روز نه تنها با قدرت برگزار شد، بلکه حتی در دانشگاهی هم که خبری نبود دانشجویان با شعارهای برابری و آزادی و سوسیالیسم به میدان آمدند و با قدرت خواستار آزادی فوری رفقای دستگیرشده خود شدند.

به یاد داریم که قبل از ۱۱ اردیبهشت سال جاری، در مقطع روز جهانی کارگر، مأموران امنیتی حکومت اسلامی، محمود صالحی، این رهبر جنبش کارگری ایران را از محل کارش در شهر سقز به بهانه این که فرماندار قصد دارد با وی در مورد مراسم اول ماه مه گفتگو کند با خود بردند که حداقل ۲۴ ساعت خانواده اش خبری از او نداشتند و بعد معلوم شد که مأموران امنیتی حکومت اسلامی رسماً او را ربوده و به زندان سنندج انتقال داده‌اند. هدفشان این بود که از فعالین کارگری زهر چشم بگیرند تا به فکر برگزاری روز جهانی کارگر نباشند. دیدیم که فعالین و تشکل‌های مستقل کارگری مرعوب این وضعیت نشدند و مراسم اول ماه مه خود را هر چه با شکوهر برگزار کردند.

اخیراً نیز مأموران حکومت اسلامی، در مقطع ۱۶ آذر، روز دانشجو، با همین هدف به منازل فعالین آزادی خواه و چپ و سوسیالیست جنبش دانشجویی یورش بردند و با ضرب و شتم آن‌ها را دستگیر کردند. تعداد دیگری را نیز در خیابان‌ها و دانشگاه ربودند و هنوز کسی به درستی نمی‌داند که آن‌ها را در کدام زندان نگاهداری می‌کنند. حتی وکلای آن‌ها نیز از وضعیت دستگیرشدگان بی‌خبرند. اما با همه دیدیم که دانشجویان با چه جسارت و شهامت فوق‌العاده‌ای مراسم با شکوه خود را در روز دانشجو برگزار کردند. دانشجویان آزادی خواه و چپ و سوسیالیست، در این مراسم‌ها با شعارهایشان، سخنرانی‌هایشان و قطعنامه‌هایشان حکومت اسلامی را به محاکمه کشیدند و محکم و با اعتماد به نفس بیش‌تری از حکومت اسلامی خواستند که فوری و بدون قید و شرط رفقای دربندشان را آزاد کنند و گرنه دست از اعتراض و اعتصاب نخواهند کشید. ۱۶ آذر امسال حتی در دانشگاه‌هایی که چنین مراسمی‌هایی سابقه نداشت برای نخستین بار دانشجویان آزادی خواه، برابری طلب و سوسیالیست دست به اعتراض و راهپیمایی زدند.

این بار موجی از حمایت و پشتیبانی تشکل‌ها و گروه‌های مستقل کارگری و مردم آزادی خواه در داخل کشور از مبارزه دانشجویان در جریان است. در خارج کشور نیز کمپین وسیعی توسط نیروهای آزادی خواه و چپ و سوسیالیست و همبستگی بین‌المللی با مبارزه دانشجویان راه افتاده است که تاکنون بی‌سابقه بوده است.

مراسم‌های ۱۶ آذر امسال با سکوت رسانه‌های بین‌المللی فارسی زبان مانند بی‌بی‌سی و رسانه‌های راست، به ویژه طیف سلطنت‌طلبان روبرو شده است. چرا که همه می‌دانند اکنون رهبری جنبش دانشجویی ایران در دست دانشجویان آزادی خواه و چپ و سوسیالیست است و شعارهای آن‌ها هم چون «لغو آپارتاید

جنسی»، «سوسیالیسم یا بربریت»، «جنبش دانشجویی متحد جنبش کارگری است»، «محمود صالحی آزاد باید گردد!»، «منصور اسانلو آزاد باید گردد!»، «زندانی سیاسی آزاد باید گردد!» از جمله شعارهایی بودند که دانشجویان دانشگاه های سراسر کشور فریاد زدند. روشن است که این شعارها به مذاق نیروهای طرفدار سرمایه خوش نمی آید. چرا که شعارهای برابری طلبانه و سوسیالیستی هستند.

بدین ترتیب، هر چند که ارگان های سرکوبگر حکومت اسلامی، تعدادی از فعالین جنبش دانشجویی، جنبش کارگری و جنبش زنان را دستگیر و زندانی کرده اند اما هدفی که سران حکومت و تئوریسین های آن ها در مقابل خود قرار داده بودند و آن هم جلوگیری از برگزاری اول ماه مه و اکنون مراسم ۱۶ آذر، کاملاً شکست خورده است. زیرا هم اول ماه مه سال جاری در ایران با شکوه تر برگزار شد و هم مبارزه برای آزادی محمود صالحی و دفاع از جنبش کارگری، به یک امر بی وقفه در داخل و خارج تبدیل گردید. و اکنون نیز ۱۶ آذر، اعتراض دانشجویان داخل کشور و خانواده دستگیرشدگان با حمایت و پشتیبانی کارگران و تشکل های مستقل آن ها روز بروز گسترده تر می شود. آخرین اعتراض مربوط به دانشجویان دانشگاه «بوعلی سینا» همدان است. روز دوشنبه ۲۶ آذر ماه، بیش از ۸۰۰ نفر از دانشجویان در «دانشکده مهندسی» این دانشگاه، دست به تجمع اعتراضی زدند و خواستار آزادی دانشجویان زندانی شدند. دانشجویان شرکت کننده در این تجمع اعتراضی با خواندن سرودهای «قسم به اسم آزادی» و «یار دبستانی من» و سردادن شعار «دانشجوی زندانی آزاد باید گردد»، از جمله خواستار آزادی «فرشاد دوستی پور» دانشجوی دانشگاه بوعلی سینا شدند که ۸ روز قبل بازداشت شده است.

در خارج کشور نیز کمپینی تحت عنوان «اقدام متحد، کارزار پشتیبانی از دانشجویان چپ و آزادی خواه سراسر ایران» با هدف سازمان دهی یک حرکت بین المللی سیاسی - تبلیغی راه افتاده است. در بخشی از بیانیه این کمپین آمده است: «جنبش دانشجویی ایران رسالت تاریخی خود را در پیشتازی مبارزه علیه دیکتاتوری و اختناق باز می یابد. تاکید جریان چپ جنبش دانشجویی، در پیوند با مبارزه طبقه کارگر و جنبش رهایی زن و سایر جنبش های پیشرو در جامعه، با برافراشتن پرچم مطالبات رادیکال، ندای آزادی و برابری و فریاد «نه به جنگ، دانشگاه پادگان نیست»، رادیکالیزه شدن این جنبش، بشارت رسانتی است که نظام سرمایه داری اسلامی ایران را به وحشت انداخته است...»

در بخش دیگر این بیانیه، خطاب به مردم آزادی خواه، سازمان ها و تشکل های چپ و دمکراتیک و کارگری، آمده است: «ما سازمان ها و احزاب آزادی خواه، چپ، انسان دوست و کمونیست، نهادها و کانون های دمکراتیک و همچنین فعالین منفرد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایرانی در خارج از کشور، بر این باوریم که نظام فاشیستی حاکم در ایران نمی تواند، خواسته های آزادی خواهانه نیروهای درگیر در مبارزه طبقاتی را به اجراء در آورد. ما بر این باوریم که تنها با سرنگونی آگاهانه این نظم توسط جنبش های اجتماعی و مردم محروم و آزادی خواه ایران است که این خواسته ها جامعه عمل خواهد پوشید...»

در پایان این بیانیه تاکید شده است: «زندانی کردن فعالین برابری طلب، آزادی خواه و سوسیالیست جنبش دانشجویی، تنها بخشی از یورش افسارگسیخته حکومت اسلامی در به اسارت کشیدن و زیر پا گذاشتن حقوق اولیه کارگران، زنان و مردم آزادی خواه و تحت ستم ایران است. بگذارید در یک اقدام گسترده و مشترک همه نیروهای آزادی خواه ایران در خارج کشور با هدف افشای جنایات حکومت اسلامی و با هدف جلب و حمایت پشتیبانی بین المللی، بانگ رسای مبارزه بر حق دانشجویان، مطالبات کارگران، زنان و مردم آزادی خواه ایران را بار دیگر به گوش جهانیان برسانیم؛ و نهادهای بین المللی مدافع حقوق کارگری، سازمان های مترقی و انسان دوست، سازمان ها و احزاب چپ، کانون های نویسندگان و روزنامه نگاران، تشکل های دانشجویی، اساتید آزادی خواه دانشگاه ها و... را فرا بخوانیم که سیاست غیرانسانی حکومت اسلامی را محکوم کنند و هم صدا با ما، خواست های زیر را بر این حکومت تحمیل نماییم:

**۱- سیاست سرکوبگرانه جمهوری اسلامی در قبال جنبش دانشجویی را قاطعانه محکوم می کنیم؛**

**۲- آزادی بدون قید و شرط همه فعالین جنبش دانشجویی دستگیر شده در روزهای اخیر؛**

**۳- ممنوعیت ورود نیروهای امنیتی به دانشگاه ها و پایان دادن به تعقیب و آزار و اذیت فعالین و رهبران دانشجویی؛**

**۴- بر چیدن کمیته های انضباطی و پایان دادن به احضار دانشجویان به این کمیته ها، بازگشت به تحصیل کلیه دانشجویانی که تاکنون اخراج و محروم از تحصیل شده اند؛**

**۵- برسمیت شناختن آزادی بیان و تشکل مستقل برای کارگران، دانشجویان، زنان، نویسندگان و...؛**

**۶- آزادی بدون قید و شرط محمود صالحی، منصور اسانلو، ابراهیم مددی و ... و فعالین جنبش رهایی زن و همه زندانیان سیاسی.»**

در این مدت کم، این بیانیه را «سیزده سازمان و حزب» از جمله کمیته خارج کشور حزب کمونیست ایران و نمایندگی کومه له در خارج کشور امضاء کرده اند. علاوه بر سازمان ها و احزاب؛ «شصت و سه کانون و نهاد دمکراتیک»؛ «پنجاه و سه رسانه گروهی» (وبلاگ، سایت اینترنتی، رادیو و...)؛ بیش از «چهارصد فعال سیاسی، اجتماعی و فرهنگی»؛ «هفتاد و چهار استاد دانشگاه و معلم و فعالین جنبش دانشجویی سوئد» که مسئولیت برخی تشکل های دانشجویی را به عهده دارند امضاء کرده اند. آنان در همراهی با «اقدام متحد»، حرکتی را در دانشگاه های سوئد در دفاع از جنبش دانشجویی ایران و آزادی فوری دانشجویان زندانی آغاز کرده اند و نامه اعتراضی خود را نیز به سفیر حکومت اسلامی در استکهلم و همچنین رسانه های عمومی و نهادهای بین المللی مدافع حقوق بشر ارسال نموده اند. همچنین گروهی از دانشجویان یکی از دانشگاه های لندن (انگلستان)، با ارسال نامه شرکشانده ای، از سازمان های دانشجویی، سازمان ها و احزاب سیاسی، تشکل های کارگری، نهادهای دمکراتیک و رسانه های انگلستان خواسته اند که به دفاع از جنبش دانشجویی ایران برخیزند و با محکوم کردن سیاست های حکومت اسلامی، خواهان آزادی فوری دانشجویان دستگیرشده شوند. در کمپین «اقدام متحد»، همچنین نامه حزب چپ سوئد، بیانیه عفو بین الملل، بیانیه کمیته دفاع از محمود صالحی، پیام محمود صالحی از زندان به دانشجویان چپ و مبارز، فراخوان میتینگ اعتراضی شهر هامبورگ (آلمان) و حمایت از تظاهرات بروکسل دیده می شود. در ادامه سازمان دهی و گسترش این کمپین، دوشنبه شب ۱۷ دسامبر، یک جلسه پالتاکی علنی برگزار شد که فعالین «اقدام متحد» از کشورهای انگلستان، فرانسه، بلژیک، هلند، آلمان، سوئد، استرالیا، آمریکا و... گزارش فعالیت ها و تجارب و ابتکارات خود در حمایت از دانشجویان را ارائه دادند. این جلسه به دست اندرکاران اولیه این کمپین سیاسی - تبلیغی، ماموریت داد تا ۷ نفر را به عنوان هماهنگ کننده کمپین از کشورهای مختلف تعیین کنند. همان طور که من در این جلسه پیشنهاد دادم این کمپین تا اواخر ژانویه ۲۰۰۷ ادامه می یابد و در هفته آخر آن آکسیون ها و راهپیمایی مشترکی با فعالین و جریانات ایرانی چپ و برابری طلب و کمونیست با سازمان های سیاسی، تشکل های کارگری و دانشجویی و... کشور ساکن خود برگزار کنند و صرفا به ایرانی ها محدود نباشد. جلسات روتین پالتاکی هفته ای برگزار شود و در این جلسات غیر از گزارش دهی، تبادل تجربه شود و ایده ها و پیشنهادات مختلف مورد بحث و بررسی و تحت اقدام قرار گیرد. این کمپین ادامه دارد. هم چنان که در جلسه پالتاکی نیز تاکید شد مسئله آزادی فوری محمود صالحی، به دلیل وضعیت خطرناکی که از یک سو یک مامور امنیتی او را تهدید به مرگ کرده است و از سوی دیگر، بیماری وی به مرحله خطرناکی رسیده است که به حالت اغما می افتد و جان او را تهدید می کنند در این کمپین و به طور کلی در اعتراضات داخل کشور و خارج کشور برجسته تر شود.

اگر در یک نگاه اقدامات تاکنونی این کمپین را واقع بینانه مورد ارزیابی قرار دهیم به راحتی درمی یابیم که این کمپین نسبت به کمپین های قبلی بسیار وسیع تر و گسترده تر است و همچنین برای اولین بار مرزهای داخل و خارج از بین رفته و تشکل های دانشجویی داخل، ده ها سایت و وبلاگ داخل کشور در این کمپین حضور فعالی دارند. همه جریانات و کسانی که در این کمپین حضور دارند در فضایی برابر و دمکراتیک آن را نه به شکل هرمی، بلکه به شکل افقی و شبکه ای پیش می برند.

### اسامی برخی از دانشجویان دربند عبارتند از:

۱- میلاد معینی ۲- بهرنگ زندی ۳- حامد محمدی ۴- آرش پاکزاد ۵- حسن معارفی ۶- انوشه آزادفر ۷- ایلناز جمشیدی ۸- مهدی گرایلو ۹- نادرا حسینی ۱۰- سعید حبیبی ۱۱- بهروز کریمی زاده ۱۲- کیوان امیری الیاسی ۱۳- نسیم سلطان بیگی ۱۴- علی سالم ۱۵- محسن غمین ۱۶- روزه صف شکن ۱۷- روزبهان امیری ۱۸- یاسر(صدرا) پیر حیاتی ۱۹- سعید آقام علی ۲۰- علی کلائی ۲۱- امیر مهرزاد ۲۲- هادی سالاری ۲۳- فرشید فرهادی آهنگران ۲۴- امیر آقایی ۲۵- میلاد عمرانی ۲۶- یونس میرحسینی ۲۷- سروش هاشم پور ۲۸- سارا خادمی ۲۹- شوان مریخی ۳۰- رضا عرب ۳۱- پارسا کرمانجیان ۳۲- عابد توانچه ۳۳- سعید آقاخانی ۳۴- مجید اشرف نژاد ۳۵- پیمان پیران ۳۶- فرشاد دوستی پور ۳۷- سهراب کریمی ۳۸- جواد علی زاده، ۳۹- مهدی الهیاری ۴۰- نیما نحوی، ۴۱- محمد صالح ابومن، ...

وزارت اطلاعات حکومت اسلامی که تجربه و مهارت زیادی در آدم ربایی و ترور دارد اکنون با انتشار بیانیه اتهامات پوچی به دانشجویان زندانی زده است که آشکارا پاپوش درست کردن برای دستگیرشدگان و انحراف افکار عمومی از جنایات حکومت شان است؛ «اخلال گر»، «اقدام علیه امنیت ملی» و... هر روز به بهانه ای لیست اتهامات دستگیرشدگان را طولانی تر می کنند تا از این طریق اعتراضات بر حق جنبش دانشجویی را خفه کنند. در حالی که این نوع اتهامات و شایعه و توهم پراکنی های دستگاه رعب و وحشت و ترور حکومت اسلامی دیگر نمی تواند جنبش های رو به رشد را به عقب براند.

با وجود این که نیروهای سرکوبگر امنیتی همواره فعالین جنبش دانشجویی تهدید و تعقیب و دستگیر می کنند اما، اعتراضات برای آزادی دانشجویان دربند در تمام دانشگاه های ایران و در خارج کشور بر علیه حکومت اسلامی در حال گسترش است. بنابراین، بخش آزادی خواه و برابری طلب جامعه و دانشجویان مبارز و سوسیالیست، خانواده های دستگیرشدگان را تنها نگذاشته اند. دستگیرشدگان نه تنها فرزندان جسور والدین خود، بلکه عزیزان همه جامعه هستند. آن ها برای تغییر جامعه ایران به نفع اکثریت شهروندان مبارزه می کنند. آن ها در راه تحقق لغو آپارتاید جنسی، آزادی همه زندانیان سیاسی، لغو شکنجه و اعدام، اتحاد جنبش

دانشجویی با جنبش زنان و جنبش کارگری، بر علیه بی حقوقی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی همه مزدبگیران، لغو کار کودک،... و نهایت امر در جهت برکناری حکومت دیکتاتوری اسلامی و برقراری سوسیالیسم گام برمی دارند به زندان افتاده اند. بنابراین، آن ها پیشروان و فعالین و رهبران جنبش دانشجویی ایران که در راه سعادت و بهروزی جامعه تلاش می کنند به بند کشیده شده اند. بر این اساس، وظیفه همه نیروهای آزادی خواه، برابری طلب و سوسیالیست است که با تمام قدرت در مقابل حکومت اسلامی و ارگان های سرکوب آن بایستند و آزادی فوری و بدون قید و شرط همه دانشجویان دربند، محمود صالحی، منصور اسانلو، محسن حکیمی... مریم حسین خواه، جلوه جواهری، روناک صفازاده، هانا عبدی... عدنان حسن پور، هیوا بوتیمار... و همه زندانیان سیاسی را به حکومت اسلامی تحمیل کنند. هیچ انسانی نباید به دلیل مبارزه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تحت پیگرد و زندان و شکنجه و اعدام قرار گیرد؛ فراتر از آن، باید زندان های سیاسی از بین برود.

در چنین شرایطی، شکی نیست که اگر جنبش های اجتماعی ما متحد و متشکل و هدفمند دست به اعتراض و اعتصاب بزنند هیچ قدرتی توان مقابله با آن ها را نخواهد داشت. ما باید به نیروی متحد و قدرت طبقاتی خود اتکا کنیم و بر این اساس، در جهت تغییر جامعه موجود گام های اساسی و محکمی برداریم.

\* برگرفته از جهان امروز شماره ۲۰۰، نیمه دوم آذر ماه ۱۳۸۶ - نیمه دوم دسامبر ۲۰۰۷